

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر هویت قومی کارکنان وظیفه در ایران

رضا جهان‌فر^۱

اکبر طالب‌پور^۲

جواد معدنی^۳

چکیده

هویت قومی بخشی از هویت اجتماعی و میزان تعلق عاطفی و شناختی فرد نسبت به یک گروه، فرهنگ و ارزش خاصی است. هدف پژوهش حاضر مطالعه تأثیر سرمایه اجتماعی بر تبیین هویت قومی کارکنان وظیفه در ایران بود. روش مطالعه حاضر از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری آن کارکنان وظیفه سازمان موصوف بود که با استفاده از فرمول کوکران و نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۳۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب گردیدند. آزمون‌های آماری رگرسیون و همبستگی با استفاده از نرم افزار spss در این تحقیق انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که هویت قومی با سرمایه اجتماعی همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد. همچنین ضریب همبستگی نشان می‌دهد که ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، همدلی اجتماعی، حمایت و مشارکت اجتماعی) همبستگی مثبت و معنی‌داری را در سطح متوسط با هویت قومی دارند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تحقیق شامل؛ حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی در مجموع ۴۴ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی را تبیین نمودند و متغیر همدلی اجتماعی تأثیری در تبیین متغیر وابسته تحقیق نداشت. با توجه به اینکه کارکنان وظیفه بخش گسترده و تأثیرگذاری از سازمان‌های نظامی محسوب می‌شوند و نظر به اینکه «حمیت قسمتی» شیرازه انسجام اجتماعی در سازمان‌های نظامی محسوب شده و انسجام اجتماعی یکی از مؤلفه‌های غیرقابل انکار در «سرمایه اجتماعی» محسوب می‌گردد، این مقاله که برگرفته از یک پژوهش به رشته تحریر درآمده است، می‌تواند در جهت دهی به نگرش تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران مؤثر باشد.

کلید واژه‌ها:

سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، همدلی اجتماعی، هویت قومی، کارکنان وظیفه سازمان نظامی

مقدمه

مفهوم هویت ابتدا در روانشناسی توسعه یافت و سپس در جامعه‌شناسی نیز مطرح شد. از نقطه نظر روانشناسی، هویت به معنای خود و تکوین تفاوت‌های شخصیتی کودک به والدین و اطرافیان مربوط می‌شود. از این دیدگاه، شناخت جایگاه کودک در جامعه به تدریج و در مقابله با دیگران تکوین می‌یابد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۱۹). به عبارت دیگر، در این بُعد بیشتر بر تمایزات شخصی، تداوم شخصی و استقلال شخصی تأکید می‌شود. در مقابل، مفاهیمی که در جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی به کار گرفته می‌شوند، معنای هویت را شکل یافته از دیالکتیک بین افراد و جامعه می‌دانند و در این رابطه به‌ویژه به شیوه‌هایی توجه می‌شود که در آن اعضای گروه‌های اجتماعی، ادراک افراد از خودشان را شکل داده و به واسطه آن تعیین می‌شوند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳).

برگر و لاکمن در کتاب «ساخت اجتماعی واقعیت» هویت را همچون پدیده‌ای تعریف می‌کنند که از دیالکتیک بین فرد و جامعه شکل می‌گیرد (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵). کاستلز نیز، دید بسیار گسترده‌تری در مورد هویت دارد؛ او هویت را مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مختلف می‌داند که به‌طور تاریخی تکوین یافته‌اند. مؤلفه‌هایی از قبیل: تاریخ، جغرافیا، زیست، تخیلات شخصی، مذهب و قدرت. کاستلز معتقد است که افراد گروه‌های اجتماعی و فرآیندهای اجتماعی، معانی خویش را در چارچوب زمانی و مکانی و بسته به تعینات اجتماعی و پروژه‌های فرهنگی که ریشه در ساختارهای اجتماعی دارد ساخته و بازسازی می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۷۳).

اساساً رویکردهای تعامل اجتماعی به هویت، رویکردی مبتنی بر رابطه است. تجربه هر فردی از هویت به زندگی تاریخی - اجتماعی وی پیوند خورده است. هویت دارای اساس اجتماعی بوده و در تعاملات اجتماعی به‌طور مداوم در حال بازسازی است. بنابراین «هویت» چیزی است که بر سر آن کشاکش درمی‌گیرد و به واسطه آن ترفندها پیش برده می‌شود؛ هویت اجتماعی، دستاوردی علمی، یعنی یک فرآیند است و این که هویت‌های اجتماعی فردی و جمعی را می‌توان با به کار گرفتن کنش متقابل و دیالکتیکی درونی و برون‌ی فهم کرد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۴). بنابراین، می‌توان گفت «هویت» به عنوان مفهومی نسبی، اکتسابی و تاریخی؛ به ترکیبی از تجربیات فردی مرتبط با عوامل متعددی همچون ریشه‌های تاریخی، محیط جغرافیایی، نظام‌های سیاسی و آموزشی، مصرف اقتصادی، فهم مذهبی، عقاید و اعمال است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۴).

«هویت» یکی از مفاهیم اساسی و عمده‌ای است که انسان در سراسر زندگی اجتماعی‌اش به‌ویژه جامعه به شدت متغیر امروز با آن درگیر بوده است. هویت محصول ارتباط و تعامل با دیگران است و بدون توجه به زندگی اجتماعی و روابط اجتماعی مابین انسان‌ها، هویت معنایی نخواهد داشت، یعنی

دیگری باید وجود داشته باشد تا من ساخته و درک شود. از نظر جنکینز «زندگی اجتماعی انسان بدون وجود راهی برای دانستن این که «دیگران» کیستند و بدون دانستن «ما» کیستیم، غیرقابل تصور است (علیزاده اقدم، ۱۳۹۳: ۶۲)».

از سوی دیگر هویت قومی یکی از مهم‌ترین انواع هویت جمعی است که عضویت افراد در یک کشور محسوب می‌شود و به معنای احساس همبستگی عاطفی با اجتماع بزرگ ملی و قومی و احساس وفاداری به آن است که از تصور «ما» در برابر دیگران شکل می‌گیرد؛ عجم در برابر عرب، فارس در برابر ترک و تاجیک در برابر ترک. این هویت همانند روح فرد در جامعه نشو و نما دارد و مراتبی از تکامل را طی می‌کند. این ترقی هم طراز با ترقی فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌های جامعه پیش می‌رود و عوامل گوناگونی چون نژاد، سرزمین، زبان و سنن مشترک فرهنگی در آن تأثیرگذار است (غربیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۲).

ترکیب جمعیت ایران به نحوی است که اطلاق جامعه چندقومی به آن چندان دور از واقعیت نیست. حضور و زندگی قومیت‌های مختلف چون فارس‌ها، ترک‌ها، کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و عرب‌ها در کنار یکدیگر و در چارچوب جغرافیایی سیاسی واحد بیانگر تنوع قومی- فرهنگی جامعه ایران است (معیدفر و رضایی، ۱۳۸۵: ۲۰). هویت قومی یک مفهوم چندوجهی است و درک چند وجهی بودن هویت قومی شروعی برای فهم آن می‌باشد. هویت قومی تعلق مردم به یک گروه، فرهنگ و زمینه خاص می‌باشد. این مفهوم تنها دانش و فهم انتساب‌های درون گروهی یک فرد نیست، اگرچه چنین بینش‌ها و درک‌هایی بخشی از آن می‌باشد. دستیابی به هویت قومی مطمئن از تجربیات نشأت می‌گیرد، ولی تجربه برای بوجود آمدن آن کافی نیست. برای اینکه هویت قومی فرد در طول زمان برساخته می‌شود، اعمال و انتخاب‌های افراد در این فرآیند ضروری و حیاتی است. هویت قومی از هویت‌های گروهی دیگر مانند هویت نژادی در برخی موارد متمایز می‌باشد، ولی ابعاد هویت‌های گروهی و فردی را تسهیم می‌کند (Phinney and Ong, 2007: 271).

هویت قومی نوعی احساس تعلق به اجتماع قومی است که موجبات انسجام و اتفاق جامعه را فراهم می‌سازد و از عوامل زیادی تأثیر می‌پذیرد که یکی از مهم‌ترین آنها سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی از طریق هنجارهای دستوری مانند: تقویت روحیه گروهی، همکاری، رقابت سالم، برقراری کنش‌ها و تعاملات اجتماعی مبتنی بر اعتماد، صداقت و احترام متقابل و از بین بردن تعارضات و خصومت‌های میان افراد به تقویت حس همبستگی، وفاق قومی به تشکیل و تداوم هویت قومی کمک می‌کند (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۴). به نظر چلپی (۱۳۷۵) کیفیت روابط افراد و تعاملات اجتماعی در میزان همبستگی گروهی و در نتیجه هویت ملی اثرات متفاوتی دارد. این روابط که شامل تعاملات درون گروهی و بین گروهی، رقابت و تفاهم بین گروهی می‌باشد، از یک طرف، موجب تقویت انسجام کل و از طرف

دیگر، موجب اختلال در نظم‌های خرد و انسجام محلی می‌گردد (جهانگیری و معینی، ۱۳۸۹: ۳۹). هویت اجتماعی و به ویژه هویت قومی به عنوان بخش اساسی حیات اجتماعی و محصول تجارب زندگی اجتماعی است (نیازی و فرشادفر، ۱۳۹۱: ۶۱). بر طبق هویت قومی، افراد خود را به گروه‌ها و قومیت‌های خاصی انتساب می‌دهند و همین تعلق خاطر به نوعی احساس امنیت را برای افراد به وجود می‌آورد، این تعلق تا حدی دارای اهمیت است که اسمیت^۱ معتقد است «اگر ملت‌ها خود را به یک ریشه قومی واقعی یا خیالی وصل نکنند، فرو می‌پاشند». در سال‌های اخیر، شاهد بازتعریف و به قول گیدنز بازاندیشی در مفهوم هویت و به ویژه در نوع خاصی از آن، هویت قومی هستیم، به نحوی که هویت‌های قومی به عنوان مهم‌ترین مولفه معنا بخشی برای افراد عمل می‌کند و قومیت‌های مختلف را روز به روز بیش از گذشته در حلقه یک «ما» به هم پیوند می‌دهد. به عنوان مثال در این میان، شهر ایلام هم به عنوان یکی از بزرگترین شهرهای کرد نشین از این قاعده مستثنا نیست، بدین معنا که شاهد تجلی هویت قومی به شکل‌های جدید در آن هستیم و تبلور آن را می‌توان در مطبوعات محلی این شهر از قبیل روزنامه‌ها و هفته نامه‌ها و دیگر نشریات مشاهده کرد. مهرمند و همکاران در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که جوانان آذری زبان ارومیه در عین گرایش به هویت ملی نسبت به هویت قومی نیز گرایشی قوی دارند. یکی از متغیرهای موثر بر هویت قومی، سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن می‌باشد. اینگلهارت معتقد است سرمایه اجتماعی فرهنگ اعتماد و مداراست که در آن شبکه‌های گسترده سازمان‌های داوطلبانه می‌روید. شبکه‌ها نتیجه اعتماد مردم به یکدیگرند، نه اینکه اعتماد محصول جانبی انجمن شدن مردم با یکدیگر باشد. مردمی که به یکدیگر اعتماد می‌ورزند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و در وضعیت‌های مختلف از گروه‌کر و تیم‌های ورزشی گرفته تا محل کار انجمن تشکیل می‌دهند تا بدین وسیله بیشتر اعتماد بورزند. از نظر او سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهم در حیات سیاسی اقتصادی ایفا می‌کند (باری و هزارجریبی، ۱۳۹۱: ۴۵). بدین معنی که سرمایه اجتماعی به ویژه از نوع درون گروهی آن موجبات تقویت و ارتقای تعلق گروهی و قومی را فراهم می‌سازد و با بسترسازی اعتماد و حمایت اجتماعی برای یک «ما» هویت قومی را بوجود می‌آورد. پژوهش‌های اندکی در ارتباط با متغیرهای تأثیرگذار جمعیتی و اجتماعی بر هویت قومی صورت گرفته است. برای نمونه کوزمنیک (۲۰۰۸) بر نقش تعیین کننده پایگاه اجتماعی و اقتصادی در بازنمایی هویت اجتماعی افراد و تفسیر آنها از واقعیت پرداخته است (کوزمنیک، ۲۰۰۸).

در کشورمان کلمه «سربازی» برای همه مردم واژه‌ای آشنا و واقعیتی ملموس است. به ویژه اینکه جنگ هشت ساله تحمیلی عراق بر علیه ایران منجر به حضور گسترده‌تر جوانان این مرزوبوم تحت عنوان «سرباز وظیفه» در جبهه‌ها شد. اگر چه گفته می‌شود که سربازی از زمان ناپلئون در کشورهای جهان برقرار شد،

1. Smith

اما در ایران از زمان‌های خیلی پیش‌تر سربازی مرسوم بوده است. (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۶)

در هر کشور و جامعه‌ای با هر نوع سامانه مدیریتی و هر نوع گرایش اعتقادی، مهمترین و اولین اولویت برنامه‌ریزی و اجرا در خصوص تأمین و حفظ امنیت است. در کشور ما کارکنان وظیفه از جمله ارکان غیرقابل انکار تأمین و حفظ امنیت محسوب می‌شوند. بسیاری از مشاغل و تخصص‌های موجود در نیروهای مسلح مختص کارکنان وظیفه است. حضور کارکنان وظیفه در نیروهای مسلح منجر به عمومی شدن احساس مسئولیت در خصوص حفظ امنیت عمومی جامعه می‌شود. سربازان دارای اصطلاحات و حتی فرهنگ خاص خود هستند. دغدغه‌های خاص خود را دارند.

خدمت سربازی یک رابطه تأثیرگذار دوسویه بر سرباز و جامعه است. جامعه منفعت ناشی از حضور جوان در خدمت سربازی را با به دست آوردن امنیت تجربه می‌کند و جوان در طول مدت سربازی تجربیاتی را نصیب خود می‌کند که در سال‌های بعد از خدمت سربازی راه‌گشای آینده خواهد بود. البته ضروری است که خدمت سربازی به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که حداکثر سودمندی را برای جوانان به ویژه جوان دارای تحصیلات دانشگاهی در بر داشته باشد.

در بررسی موضوع «خدمت سربازی» توجه به این نکته ضروری است که در دین مقدس اسلام دفاع در برابر متجاوز و حفظ آمادگی رزمی بر همگان واجب است. از سوی دیگر هر ایرانی معتقد و میهن دوستی - حتی اگر غیر مسلمان باشد-، دفاع از کشور در برابر متجاوز را وظیفه خود می‌داند. در سال‌های دفاع مقدس تعداد زیادی از سربازان وظیفه در سازمان‌ها و نیروهای مختلف نظامی و حتی غیرنظامی عضویت داشته و به واسطه این عضویت، در جبهه‌ها حضور یافتند و به دفاع از سرزمین ایران اسلامی پرداختند. تعداد قابل توجهی از شهدا، جانبازان و آزادگان نیروها و سازمان‌های مورد اشاره از میان سربازان وظیفه هستند. (جهان‌فر، کرمی، ۱۳۹۳: ۵ الی ۷)

از ابتدای بهره‌مندی از کارکنان وظیفه به صورت نوین تاکنون، نقش آفرینی سربازان وظیفه در نیروهای مسلح به صورت روزافزون اثرگذارتر گردیده است. در جنگ جهانی دوم بخش وسیعی از شهدای نیروی دریایی ارتش در مقابل متفقین کارکنان وظیفه بودند. در سال‌های جنگ تحمیلی نیز تعداد زیادی از کارکنان وظیفه در راه دفاع از میهن و اعتقادات مردم کشورمان به شهادت رسیدند و مانع از موفقیت بیگانگان شدند. در فرایند انجام وظایف و مأموریت نیروی انتظامی کشورمان نیز کارکنان وظیفه نقش محوری دارند. کارکنان وظیفه، بخش گسترده و تأثیرگذاری از سازمان‌های نظامی کشورمان محسوب می‌شوند. اهمیت وجودی این طیف از کارکنان به گونه‌ای است که اکنون برخی از وظایف و یا مأموریت‌های حساس یکان‌های نظامی، اختصاص به کارکنان وظیفه دارد. لذا پژوهش در خصوص این قشر از کارکنان آن سازمان‌های خاص نظامی، دارای اهمیت و ضرورت خاص خود است. از همین رو تحقیق حاضر در

صدد پاسخگویی به سئوالات زیر بوده است؛

- ۱- رابطه بین سرمایه اجتماعی و هویت قومی در بین سربازان سازمان نظامی چگونه است؟
- ۲- گرایش سربازان به هویت قومی برحسب سرمایه اجتماعی و ابعاد آن به چه شکلی است؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

پیشینه داخلی

نبوی و همکاران (۱۳۸۸) پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی با روش پیمایش در اهواز انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که پایگاه اقتصادی و اجتماعی و هویت ملی تأثیر افزایش بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارند و هویت قومی و جنسیت به ترتیب بر احساس امنیت جانی و مالی افراد اثر گذارند (نبوی و همکاران، ۱۳۸۸). مطالعه نبوی و همکاران تنها به مطالعه تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی بر هویت قومی پرداخته است و تلاشی در راستای بسط این امر به سرمایه اجتماعی از خود نشان نداده است اما در مطالعه حاضر ما تلاش نموده ایم این موارد را مورد توجه ویژه قرار دهیم.

لهسایی زاده و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل موثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب اهواز» به این نتیجه رسیدند که متغیرهای سن، شغل، درآمد خانواده، میزان مالکیت خانواده، احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی و سیاسی، منطقه مسکونی، میزان اعتماد به قوم، پابندی به هنجارهای قومی، تحصیلات، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، رضایت از نظام سیاسی و مشارکت در امور سیاسی بر متغیر هویت قومی موثر است و رابطه هویت ملی و هویت قومی معکوس است (لهسایی زاده و همکاران، ۱۳۸۸).

توسلی و اصل زعیم (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان هویت‌های قومی و معمای هویت ملی این گونه استدلال می‌کنند که اگر دولت در مدیریت کشور، رویکردی مشارکتی با احترام به تمامی اقوام و گروه‌های اجتماعی ایرانی داشته باشد و هویت‌های قومی را با نگاهی فرهنگی- تاریخی بنگرد، این نگاه می‌تواند موجبات هم افزایی متغیرهای درون این مدل همبسته را فراهم نماید و در این صورت است که هویت‌های قومی نه تنها مزاحمتی برای حاکمیت یکپارچه ملی فراهم نخواهند داشت، بلکه ضمن قوام امنیت پایدار، موجبات گسترش حوزه نفوذ فرهنگی ایران در جهان جهانی شده امروز را ایجاد خواهند کرد (توسلی و اصل زعیم، ۱۳۸۹). به نظر می‌رسد این مطالعه از جنبه نظری به موضوع مورد مطالعه پرداخته است و برتری مطالعه ما توجه به جنبه‌های عملی در مطالعه بوده است.

جهانگیری و معینی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان رابطه سرمایه اجتماعی و هویت ملی به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای محل تولد، محل سکونت، اعتماد اجتماعی، مشارکت، تعاملات اجتماعی و

جهت‌گیری مذهبی و هویت ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین در این تحقیق بین سرمایه اجتماعی و هویت ملی رابطه معنی‌داری وجود داشت (جهانگیری و معینی، ۱۳۹۰). تحقیق حاضر نسبت به این تحقیق با عمق بیشتری مسأله را مورد بررسی قرار داده است و ابعاد بیشتری را مورد مطالعه قرار داده است. پیشنهاد خارجی

کرپلمن و وایت (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان هویت‌های بین فردی و سرمایه اجتماعی که به صورت یک مطالعه مقطعی در بین ۳۷۴ جوان روستایی آفریقایی-آمریکایی به این نتیجه رسیدند که جوانانی که متعهد به هویت بین فردی بودند، سرمایه اجتماعی بالایی را گزارش می‌کردند. همچنین در این مطالعه مدل معادلات ساختاری نشان داده است که تعهد هویتی برای تبیین تغییرات سرمایه اجتماعی اهمیت دارد (White&Kerpelman, 2006:219). تفاوت مطالعه ما با این مطالعه به توصیفی بودن مطالعات کرپلمن و وایت از یک سو و تبیینی بودن مطالعه ما بر می‌گردد. به نحوی که در مطالعه حاضر از تبیین استفاده بیشتری برای توضیح روابط استفاده شده است.

جیانگ و کارول (۲۰۰۹) در یک پژوهش مروری با عنوان سرمایه اجتماعی، شبکه اجتماعی و همبستگی هویتی به این نتیجه رسیدند که در کارهای مرتبط با علوم اطلاعات و جامعه‌شناسی هویت‌های مشترک در ایجاد سرمایه اجتماعی نقش به سزایی را بازی می‌کند (Jiang and Carroll, 2009: 51). به نظر می‌رسد این مطالعه تبیین در یک جامعه خاص را مد نظر قرار نداده است و صرفاً به مطالعات ارتباطی و برهم‌کنشی پرداخته است.

درای داکیس^۱ (۲۰۱۲) با استفاده از داده‌های یونان، استدلال می‌کند که هویت قومی ترکیبی از زبان، عادات‌های فرهنگی (غذا، رسانه، موسیقی و مطالعه)، هویت خود، تعاملات اجتماعی و برنامه‌های شهروندی آینده می‌باشد. وی دریافت که هم‌رنگی و ادغام به صورت چشمگیری دستمزد مهاجران را افزایش می‌دهد، در حالی که جدایی و حاشیه‌ای شدن آن را کاهش می‌دهد (درای کیس، ۲۰۱۲). به نظر می‌رسد مطالعه داکیس تنها به بیان مؤلفه‌های هویت پرداخته است و از عوامل تأثیرگذار بر این امر مغفول مانده است در حالی که در تحقیق حاضر نسبت به این موارد توجه کافی مبذول شده است.

دیویس (۲۰۱۴) در مطالعه سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی به این نتیجه رسید که انواع مختلف محرک‌های فردی با انواع مختلف سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی مرتبط می‌باشند. تضادهای گروه اجتماعی در ارتباط با مدل تهدید کلیشه‌ای هویت در روانشناسی اجتماعی مرتبط است، واکنش‌های فردی به تضادهای هویتی برحسب کاهش ناهماهنگی شناختی تبیین می‌شود (Davis, 2014:1). مطالعه حاضر نسبت به این مطالعه از معرف‌های روان‌شناختی کمتری استفاده نموده است و تلاش نموده است تا از منظر جامعه‌شناسی صرف به مفهوم هویت بپردازد.

در دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، بورديو مفهوم سرمايه اجتماعى را توسعه داد، اما اين كار او نسبت به قسمت هاى ديگر نظريه اجتماعى اش توجه كمترى را جلب كرد. از منظر وي، شكل هاى سرمايه (اقتصادى، فرهنگى و اجتماعى) عواملى اساسى اند كه تعريف كننده موقعيت ها و امكانات كنش گران گوناگون در هر حوزه اى به شمار مى روند. از نظر او، سرمايه در سه شكل بنيادى امكان بروز مى يابد، به شكل سرمايه اقتصادى كه قابليت تبديل شدن به پول را دارد و ممكن است در شكل حقوق مالكيت نهادينه شود؛ به شكل سرمايه فرهنگى كه در شرايط معين، قابليت تبديل شدن به سرمايه اقتصادى را دارد و ممكن است به شكل كيفيت هاى آموزشى نهادينه شود و به شكل سرمايه اجتماعى كه از الزامات اجتماعى (ارتباطات) ساخته شده است و در شرايط معين، قابليت تبديل شدن به سرمايه اقتصادى را دارد و ممكن است به صورت عنوان اشرافى يا اصالت خانوادگى نهادينه شود. از نظر بورديو، سرمايه اجتماعى دو مولفه دارد: اول منبعى است كه ارتباط با آن از طريق عضويت در گروه و شبكه هاى اجتماعى امكان پذير مى شود و دوم، حجم سرمايه اجتماعى اى كه به تملك يك كارگزار انساني درمى آيد، بر اندازه اى از شبكه هاى ارتباطى مبتنى است كه او مى تواند بسپنج كند (ماجدى و لهساى زاده، ۱۳۸۵: ۹۴). بورديو اعتقاد دارد كه اين كيفيت به وسيله كلت ارتباطات بين كنش گران حاصل مى شود، نه آنكه فى نفسه يك كيفيت معمول گروه باشد. عضويت در گروه ها و درگير بودن در شبكه هاى اجتماعى، كه در گروه ها حاصل مى شود و روابط اجتماعى حاصل از عضو بودن، مى تواند در تلاش براى بهبود موقعيت اجتماعى كنش گران در حوزه هاى گوناگون و متفاوت به كار برده شود. انجمن هاى داوطلبانه، اتحاديه هاى تجارى، احزاب سياسى و انجمن هاى سرى، همگى نمونه هاىي جديد از تجسم سرمايه اجتماعى به شمار مى روند. از نظر بورديو، وجود تفاوت ها در كنترل سرمايه اجتماعى توضيح دهنده اين موضوع است كه ميزان همانندى سرمايه اقتصادى و فرهنگى از سويى، منافع متفاوتى را براى افراد فراهم مى آورد و از ديگر سو، در قدرت نفوذ كنش گران مختلف تفاوت هاىي ايجاد مى كند. عضويت در گروه ها باعث ايجاد سرمايه اجتماعى مى شود كه داراى اثرات تكتيرى بر شكل هاى ديگر سرمايه خواهد بود (ماجدى و لهساى زاده، ۱۳۸۵: ۹۵).

سرمايه اجتماعى از منظر بورديو، موفقيت ها و روابط در گروه ها و شبكه هاى اجتماعى است كه دسترسى به فرصت ها، اطلاعات، منابع مادى و موقعيت اجتماعى را براى افراد افزايش مى دهد. او تطابقى ميان جاىگاه اجتماعى، سليقه ها و رفتارها در نظر مى گيرد. به عبارت ديگر، او قائل به تطابق بين فضاي طبقات و فضاي رفتارهاى هر يك از طبقات است. براى مثال اينكه فضاي طبقه برتر، چه نوع ورزش ها، سبك زندگى، گرايش هاى سياسى و غيره را ترجيح مى دهد (شارع پور و حسيني راد، ۱۳۸۷: ۱۳۹). از نظر او موقعيت افراد با توجه به دسترسى شان به سرمايه اجتماعى، فرهنگى و اقتصادى تعيين مى شود. در نگاه بورديو سرمايه اجتماعى وابسته به سرمايه اقتصادى است و وجود و سودمندى سرمايه اجتماعى در

افزایش سرمایه اقتصادی است. او شبکه‌ها و تعهداتی را که در بین خانواده‌ها به وجود می‌آید، ساختاری خیلی قوی و بادوام می‌داند. بنابراین به نظر بوردیو بین فضای موقعیت اشغال شده در عرصه اجتماعی و فضای تعاملات اشغال کنندگان آن موقعیت ها، رابطه وجود دارد. بدین معنی که جایگاهی که در روابط اجتماعی کسب می‌شود، نوع خاصی از عادت‌واره را شکل می‌دهد، به طوری که شرایط زندگی سبب بروز رفتارهای فرهنگی و سیاسی خاصی می‌شود. پس این جایگاه می‌تواند نوع خاصی از گرایش‌های اجتماعی را نیز به همراه داشته باشد (شارع پور و حسینی راد، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

بوردیو از جمله کسانی است که به طور منظم به بررسی و تحلیل مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخته است. ایشان در تعریف سرمایه اجتماعی، قبل از هر چیز معتقد است که سرمایه اجتماعی یکی از اشکال سرمایه است که از الزامات پیوندهای اجتماعی ساخته شده است و در برخی موارد قابل تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی است (حسین پور اصل، ۱۳۸۹: ۱۹). از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی «جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد. این روابط ممکن است فقط در حالت عملی در مبادلات مادی و یا نهادینه‌ای که آنان را در حفظ آن روابط کمک می‌کند وجود داشته باشد. روابط مذکور را همچنین می‌توان با بکارگیری یک اسم مشترک (مثل نام خانوادگی، طبقه، طایفه، مدرسه، حزب و غیره) به لحاظ اجتماعی برقرار و تضمین کرد و یا مجموعه کاملی از اعمالی که به طور همزمان برای فرم دادن و آگاهانیدن کسانی طراحی شده باشد که در معرض آن روابط قرار گرفته‌اند». این تعریف از سرمایه اجتماعی نشان دهنده آن است که از نظر بوردیو می‌توان دو جزء سازنده برای سرمایه اجتماعی برشمرد: الف) تعداد شبکه‌های افراد ب) میزان سرمایه‌ای که دیگر بخش‌های شبکه و افراد به این سرمایه دسترسی دارند (حسین پور اصل، ۱۳۸۹: ۲۰). به اعتقاد بوردیو سرمایه اجتماعی دو مولفه دارد: اول منبعی است که ارتباط با آن از طریق عضویت در گروه و شبکه‌های اجتماعی امکان‌پذیر است و دوم، حجم سرمایه‌ای که به تملک یک کارگزار انسانی در می‌آید، بر اندازه‌ای از شبکه‌های ارتباطی مبتنی است که او می‌تواند بسیج کند (حسین پور اصل، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۱). در اینجا لازم است به سرمایه بدنی نیز اشاره شود. مبحثی که در جامعه شناسی ورزشی مورد اشاره قرار می‌گیرد. بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی و مفهوم‌سازی او از سرمایه فیزیکی تأثیر قابل ملاحظه‌ای در رشد جامعه شناسی بدن داشته است. وی در تحلیل خود از بدن به کالایی شدن بدن در جوامع مدرن اشاره می‌کند که به صورت سرمایه فیزیکی ظاهر می‌گردد (فاتحی و اخلاصی، ۱۳۸۷). تولید سرمایه جسمانی به شکل دهی اجتماعی بدن‌ها توسط افراد از طریق ورزش، فراغت و دیگر فعالیتها اشاره دارد که خود ریشه در عادت واره های افراد دارد. این شکل دهی به گونه‌ای است که منطبق با جایگاه طبقاتی افراد است

و ارزش منزلتی ویژه‌ای به آنها می‌بخشد. بوربو در کتاب تمایز (۱۹۸۴) نظریه‌ای را طرح‌ریزی می‌کند که بر پایه ارتباط بین منزلت، سلیقه و بدن استوار است، بر این اساس، نحوه تجلی روابط منزلتی و قدرت را در سبکها و سلیقه‌های مختلف و نیز بدنهای مختلف نشان می‌دهد، روابطی که در سطح کلان بیانگر جایگاه و اولویت بدن در نظام اجتماعی است (ذکائی، ۱۳۸۷: ۱۲۳). بورديو با در نظر گرفتن بدن به عنوان یک سرمایه فیزیکی، هویت‌های افراد را با ارزش‌های اجتماعی منطبق با اندازه، شکل و ظاهر بدنی مرتبط می‌سازد (فاتحی و اخلاصی، ۱۳۸۷). وی سرمایه بدنی را به مثابه یکی از انواع فرعی سرمایه فرهنگی، نوعی منبع فرهنگی می‌داند که در بدن سرمایه‌گذاری شده است (ذکائی، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

به زعم او، سرمایه هر نوع خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی است که در توانایی افراد برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در صحنه حاصل می‌گردد، موثر واقع می‌شود. انواع سرمایه فرهنگی از دیدگاه بورديو می‌تواند به سه صورت تجلی یابد:

۱- حالت تجسم یافته: می‌توان اکثر ویژگیهای سرمایه فرهنگی را از این واقعیت استنباط کرد که این سرمایه با شخصی که در آن تجسم می‌یابد ارتباط نزدیک دارد. سرمایه تجسم یافته نوعی ثروت بیرونی است که به عنوان بخش جدایی ناپذیری از فرد درآمده است. این همان بخشی است که بورديو آن را ابعاد سرمایه فرهنگی همراه با تولد می‌نامد که نمی‌تواند آن را از طریق هدیه، خرید یا مبادله به دیگری منتقل نماید. این نوع سرمایه به صورت آمادگی‌های مداوم ذهن و جسم تجلی می‌یابد (شارع پور و خوش فر، ۱۳۸۱: ۱۳۷). این بخش مشتمل بر هر دو گونه مکتسبات آگاهانه و میراث‌بری‌های منفعلانه یک شخص می‌باشد. نکته‌ای که بورديو بر آن تأکید می‌کند، آن است که سرمایه فرهنگی به صورت خودانگیخته (همچون کادو) منتقل نمی‌گردد، بلکه دستاوردی است که در طول زمان، خود را در یک شخص (شخصیت و نحوه تفکر) مجسم می‌سازد. بورديو همچنین از سرمایه زبانی نام می‌برد و آن را نوعی از انواع سرمایه فرهنگی مضمون می‌خواند که یک معنای ارتباط و خود عرضه داشتن یک فرد را از فرهنگ پیرامون او متبادر می‌سازد (روحانی، ۱۳۸۸: ۳۴).

۲- حالت عینیت یافته: یکی از بدیهی‌ترین و عینی‌ترین اشکال سرمایه فرهنگی، مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه است که خود می‌تواند تابعی از متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی قرار گیرد. سرمایه فرهنگی عینیت یافته در اشیای مادی، رسانه‌ها نظیر نوشتار، نقاشی، ابزار و نظایر آن و به طور کلی در مادیت آن، قابل انتقال است. لذا کالاهای فرهنگی را، هم می‌توان به صورت مادی تخصیص داد (که منجر به سرمایه اقتصادی می‌شود) و هم به صورت نمادی (که منجر به سرمایه فرهنگی می‌شود) (شارع پور و خوش فر، ۱۳۸۱: ۱۳۷) اما آنچه در این میان قابل انتقال است، مالکیت قانونی و حقوقی آن است، نه مالکیت ابزار مصرف آن نقاشی یا استفاده از آن کالا. سرمایه فرهنگی در حالت عینیت یافتگی خود با همه نموده‌های جهان مستقل و منسجمی ظاهر می‌شود که محصول کنش تاریخی

است، اما قوانین خاص خود را دارد که از امیال و اراده‌های فردی به طور استعلایی فرا می‌گذرد و همان طور که مثال زبان به خوبی نشان می‌دهد، به آنچه هر عامل یا مجمعی از عاملان قادرند تصرف کنند، تقلیل ناپذیر می‌ماند؛ با این حال نباید فراموش کرد که این سرمایه به طور نمادین و از لحاظ مادی فعال، (فقط) به صورت سرمایه مؤثر وجود دارد. به بیان دیگر تا جایی که سخن از تصرف آن به صورت عوامل است، همچون یک سلاح در میدان مبارزه تولید فرهنگی (عرصه‌های هنری، علمی و غیره) به کار گرفته می‌شود و روی آن سرمایه‌گذاری انجام می‌گیرد و فراتر از آنها در عرصه طبقات اجتماعی یعنی عرصه مبارزه‌ای که در آنها، عوامل، نیروی خود را به کار می‌برند و منافعی متناسب با سهم خود از سرمایه عینیت یافته کسب می‌کنند و خلاصه به قدر سرمایه متجسم‌شان توفیق می‌یابند، می‌توان موجودیتش را محرز شمرد (بابنگانی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۲).

۳- حالت نهادی شده: این حالت نوعی رسمیت بخشیدن نهادی به سرمایه فرهنگی فرد است. مدارک تحصیلی و آکادمیک نمونه‌ای از این حالت است. این مدارک، نوعی نرخ تبدیل بین سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی برقرار می‌سازند و این کار را از طریق تضمین ارزش مادی برای یک سرمایه تحصیلی معین انجام می‌دهند. از آنجائیکه منافع مادی و نمادی مدارک تحصیلی بستگی به کمپایی آنها دارد، سرمایه‌گذاری صورت گرفته (از لحاظ زمان، تلاش و پول) ممکن است به اندازه‌ای که پیش‌بینی می‌شود، سودمند نباشد (شارع پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۶).

مفهوم قومیت، مانند ملیت مفهوم ساده و بی‌منافشه‌ای نیست و غالباً وجه تمایز آن از ملیت به لحاظ جامعه‌شناختی مشخص نیست. قومیت نوعی دیدگاه درونی است که اهمیتش برای فرد در زمان برقراری تعامل با دیگران آشکار می‌شود. در مواردی که فرد احساس می‌کند قومیت او در یک موقعیت اجتماعی کارساز است و منافعی را برای او تسهیل می‌کند، هویت قومی خود را آشکار می‌کند و در جایی که آن را مانعی در راه منافع خود بداند را پنهان می‌کند.

جامعه‌شناسان حتی گاه در چنین مضامینی از مفهوم قومیت نمادین سخن می‌گویند. مثلاً در آمریکا قومیت نمادین بیانگر «تمایل به حفظ نوعی حس قومی» است بی‌آنکه «به پیوندها و رفتارهای اجتماعی قومی تعهد عمیق و ریشه‌داری ابراز شود» (عبداله، ۱۳۹۵: ۴۳).

در واقع مفهوم هویت یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی است که طرح مباحثی در باب منشاء و چگونگی پیدایش و تداوم هویت‌های جمعی کلان، چون هویت ملی و هویت قومی، برگسترده‌گی و پیچیدگی آن افزوده است. بنابراین امروزه، یکی از شاخص‌های منافع ملی و به تبع آن امنیت ملی کشورها بحث هویت ملی است. بحث هویت یکپارچه ملی همواره یکی از دغدغه‌های عمده کشورهای موزاییکی چون ایران بوده است. زیرا هویت ملی شالوده مرکزی و واحدی ندارد و گاهی در مقابل هویت مشترک

ایرانی که ریشه‌ای چند هزار ساله دارد، شاهد انشقاق‌های هویتی متأثر از قومیت‌ها بوده است. مفهوم قومیت از مفاهیمی است که تعریف ثابتی بر آن متصور نیست. کثرت تعاریف و ویژگی‌های قومیت باعث مخدوش شدن مفهوم عام قومیت و مفاهیم مرتبط با آن شده است. با توجه به این واقعیت بود که تالکوت پارسونز در پی تلاش برای تعریف این اصطلاح آن را «فوق‌العاده طفره آمیز» خواند. بنابراین، هویت قومی ساختاری چندبعدی و دینامیک است که شامل نوع شناسایی و حس پیوستگی افراد با گروه قومی‌شان و نیز دانش و نگرشی است که نسبت به پیش‌زمینه‌های قومی‌شان دارند. طبق آنچه گفته شد، می‌توان هویت قومی را چنین تعریف کرد: مجموعه‌ای از افراد با قلمرو زندگی تاریخی یکسان، خاطره‌های تاریخی و اسطوره‌های مشترک و نیز فرهنگی همگانی و اقتصادی مشترک، که در چنین اجتماعی افراد دارای حقوق و وظایف قانونی همسان‌اند (حاتی کاکش و کردونی، ۹۲: ۱۳۸۸).

هویت قومی، نوع خاصی از هویت اجتماعی است. هویت اجتماعی به طور کلی به صورت زیر تعریف می‌شود: بخشی از برداشت فرد از مفهوم خود که از آگاهی و دانش او نسبت به عضویت در یک گروه اجتماعی که توأم با اهمیت ارزشی و احساسی به آن عضویت است، نشأت می‌گیرد. براین اساس، هویت اجتماعی دارای سه بعد شناختی، ارزشی و احساسی می‌باشد. بعد شناختی اشاره به آگاهی ذهنی نسبت به عضویت در گروه اجتماعی است. این طبقه بندی شرط ضروری برای بسط و توسعه حس تعلق به گروه می‌باشد (Ashmore et al, 2004, 84). بعد ارزشی اشاره به ارزش‌های منسوب به عضویت گروه و نگرش‌های مرتبط می‌باشد. بعد احساسی هم اشاره به تعهدات عاطفی نسبت به گروه که اغلب به عنوان مهم‌ترین بعد هویت قومی تلقی می‌شود (Leszczensky and Santiago, 2015:89).

هویت قومی پدیده‌ای پویا و چندبعدی و همیشه در حال تحول است که تعاریف مختلفی از آن وجود دارد. تاجفل (۱۹۸۱) آن را بخشی از مفهوم فرد می‌داند که از آگاهی به عضویتش در گروهی قومی، با ارزش‌ها و احساسات مربوط به آن، ناشی می‌شود. هلمز^۱ (۱۹۹۰) هویت قومی را احساس تعلق فرد به گروه قومی می‌داند که این گروه، میراث فرهنگی و ارزش‌ها و منش‌های خاص خود را دارد (تقی زاده و همکاران، ۱۳۷: ۱۳۹۳). پژوهش‌های هویت قومی از کارهای اریک اریکسون^۲ (۱۹۶۸) در ارتباط با مدل هویت آگو^۳ نشأت گرفته است. براساس نظر اریکسون، رشد هویت آگو می‌تواند در سراسر دوران زندگی رخ دهد، ولی در دوره نوجوانی خیلی برجسته و نمایان می‌باشد (دوفی^۴ و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۸۷). هویت قومی به سنت فرهنگی مشترک و احساس هویتی گفته می‌شود که یک قوم را به عنوان یک گروه فرعی از یک جامعه بزرگ‌تر متمایز می‌کند. اعضای هر گروه قومی از لحاظ ویژگی‌های خاص فرهنگی از سایر اعضای جامعه، خود را متمایز می‌دانند. کاستلز معتقد است که «قومیت به مثابه منبع هویت در حال

1. Helms

2. Erikson

3. Ego

4. Duffy

رنگ باختگی است، اما نه در برابر قومیت‌ها، بلکه در برابر اصول کلی تر تعریف فرهنگی خود، از قبیل دین، ملت و جنسیت.» بارث بر این عقیده است که «امروزه مفهوم هویت قومی علیرغم رنگ باختن آن بر رشته ای از قیود اعمال شده بر انواعی از نقش‌ها که فرد مجاز به ایفای آنها است و طرف‌هایی که برای انجام بده و بستان‌های گوناگون برگزینند، دلالت دارد (احمدی پور، ۱۳۸۹: ۳۹). در خصوص اقلیت‌ها باید به این مسئله اشاره کرد که احساس هویت یک اقلیت همیشه مبتنی بر عامل یا عوامل مشخصی نیست و عوامل هویت بخش همیشه در طول اعصار و نسل‌ها ثابت نیستند. جابه‌جایی‌های جمعیتی، تابعیت‌های مضاعف، تفاوت زادگاه پدر و مادر با فرزندان و حتی چند زبانی بودن، احساس تعلق و هویت به هر کدام از آنها را در فرد یا گروه تضعیف کرده است. زبان یا نژاد به تنهایی نمی‌تواند هویت بخش باشد. آنچه در اصل بین افراد یک قوم ایجاد هویت می‌کند و آن را از قوم دیگر متمایز می‌کند، همان منش فرهنگی مشترک یعنی مجموعه باورها، رفتارها و آیین‌هاست. این منش‌های فردی، هویت فردی را تشکیل می‌دهد و مجموعه هویت افراد، هویت گروهی را می‌سازد که از آن احساس وابستگی فرد به قوم یا گروه به وجود می‌آید (نوربخش، ۱۳۸۷: ۷۰).

هویت قومی یکی از انواع هویت جمعی است که به مجموعه ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که یک قوم را از اقوام دیگر متمایز می‌کند و بین اعضای قوم یک احساس تعلق به همدیگر ایجاد کرده و آنها را منسجم می‌کند. هویت قومی در سطح پایین تر از هویت ملی یا جامعه قرار دارد. هویت قومی با مفاهیمی همچون «گروه قومی» و «قومیت» در هم تنیده شده است، به طوری که بدون تعریف و شناسایی آنها درک هویت قومی نیز مشکل است. قومیت واژه ای است که به طور فزاینده از دهه ۱۹۶۰ تاکنون برای تفاوت‌های انسانی در حیطه فرهنگ، سنت، زبان، الگوهای اجتماعی و تبار به کار برده می‌شود. اشکرفت و همکارانش قومیت و گروه قومی را چنین تعریف می‌کنند: «تجمعی در درون یک جامعه بزرگ با داشتن تبار مشترک واقعی یا مفروض (داشتن یک حافظه مشترک با سرچشمه‌ها یا تجارب تاریخی مانند استعمار، مهاجرت، تهاجم و یا بردگی) یک آگاهی مشترک از هویت قومی مجزا و یک کانون و منبع فرهنگی در یک یا چند عنصر نمادین که به عنوان خلاصه‌ای از مردم بودن آنها تعریف شده است. این مشخصات، همواره نسبت به زمان و مکان معین که گروه قومی تجربه می‌کنند در یک ترکیب پویا خواهند بود (مهرمند و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

هویت قومی را بر پایه شناسه‌های فرهنگی نظیر زبان، مذهب، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی تعریف می‌کنند که با آن افراد با تمام یا برخی جنبه‌های هویتی یک گروه پیوند می‌یابند. پژوهشگران علوم اجتماعی در اوایل قرن بیستم، علایق و هویت‌های نژادی، قومی و زبانی را اغلب نوعی واپس‌گرایی و ناهنجاری تاریخی قلمداد می‌کردند که در برابر کمونیسم، تسلیم و نابود شده یا در چارچوب نهادهای

لیبرال-دموکرات ادغام و حل می‌شود. قومیت بازمانده از مراحل اولیه تحول جامعه انسانی به شمار می‌رفت که دیر یا زود از میان خواهد رفت (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۵۹). چنین پنداشته می‌شد که با رشد شهرنشینی و افزایش سطح سواد، هویت خواهی های قومی رنگ می‌بازند و این امر با طرح نظریه‌های جهانی شدن قوت بیشتری می‌گرفت. ولی واقعیت‌ها حاکی از آن است که جهانی شدن به تقویت و پررنگ شدن هویت‌های قومی شده است و در هزاره سوم بیش از سایر دوره‌ها، هویت‌های قومی و نژادی اهمیت دوچندان یافتند و به جرات می‌توان گفت که تقریباً همه کشورهای دنیا با جنبش‌ها و ستیزهای قومی رو برو هستند (نساج، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

هر چند که هویت امری اجتماعی است و در اجتماع شکل گرفته و برساخته می‌شود اما رشد و نمو آن در فرآیندی تاریخی اتفاق می‌افتد، از این رو هر قوم و ملتی از جمله ملت ایران و اقوام آن اساس و ریشه خود را در تاریخ می‌جوید و از آشخور آن تغذیه نموده و هویت می‌یابد. در خصوص پیدایش اقوام و ملت‌ها، رویکردهای مختلف و متعددی در علوم اجتماعی وجود دارد. ۱- رویکرد ازلی‌گرایی که اعتقاد به وجود تاریخی ملت‌ها و اقوام در تمام عرصه‌ها و سرزمین‌ها دارد. ۲- رویکرد مدرنیستی که اعتقاد به برساخت‌گرایی داشته و ملت‌ها را زائیده دوران نوسازی می‌داند. ۳- رویکرد نمادگرایی قومی که با وجود مدرن بودن مفاهیمی همچون ملت، هویت ملی و ناسیونالیسم، ریشه این مفاهیم را در ادوار و اعصار کهن می‌جوید (سیف‌اللهی و مروت، ۱۳۹۲: ۲۴).

هویت قومی در دیدگاه کهن‌گرایی، بر پایه تعلقات عمیق و کهن به یک گروه یا یک فرهنگ توصیف می‌شود. این دیدگاه بیشتر به منظور بیان ریشه‌ها و استحکام وابستگی‌های قومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این نگاه، قومیت‌ها پدیده‌هایی کهن و طبیعی هستند. این گروه به جنبه‌های کهن قومیت از قبیل ارتباط میان قومیت و خویشاوندی و نیز روابط قومی-عاطفی میان مردمی که اجداد مشترک و گاه سرنوشت مشترک معتقدند، هویت قومی در اینجا عنصر اساسی و محوری تحول شخصیت تلقی می‌شود که ارتباط نزدیکی با تصور «خود» مراحل اولیه جامعه‌پذیری، آموزش زبان با اعتقادات مذهبی و سیاسی دارد (پاینده و جعفرزاده، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

مباحث مربوط به ماهیت قومیت در دو مکتب دیرینه‌گرایی و ابزارگرایی تبلور یافته است. دیرینه‌گرایی اولین بار توسط «ادوارد شیلز» که خود تحت تأثیر جامعه‌شناسی دین بود، به کار برده شد. وی بر آن بود که نشان دهد چرا در جوامع مدرن هنوز هم انواع پیوندهای اجتماعی قومی به حیات خود ادامه می‌دهند. دیرینگی به پیوندهایی مانند پیوندهای دینی، خونی، نژادی، زبانی، منطقه‌ای و آداب و رسوم نسبت داده می‌شود. از دید این رهیافت، تنش‌های قومی طبیعی است. طرفداران این مکتب به وجود نوعی ارتباط میان مردمی که اجداد مشترک و سرنوشت مشترک برای خود تصور می‌کنند، اعتقاد دارند

(میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۲۱). کهن گرایان دو ادعای اساسی دارند اول اینکه ملت ها و ناسیونالیسم پدیده های کهن هستند و بعد اینکه جهان شمول اند. کسانی که بر جنبه های کهن قومیت تاکید دارند به وجود نوعی ارتباط میان قومیت و خویشاوندی و نیز روابط قومی - عاطفی میان مردمی معتقدند. در اینجا هویت قومی عنصر اصلی تحول شخصیت تلقی می شود (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۴۳). رویکردهای دیرینه گرایی و ابزار گرایی را به ترتیب «قومیت در قلب» و «قومیت در سر» نامگذاری کرده اند. تجربه ایران نشان می دهد که دیدگاه دیرینه گرایی برای توضیح سیاسی شدن اختلاف زبانی - مذهبی مناسب نیست و سیاسی شدن این تفاوت ها و ایجاد حرکت های سیاسی مبتنی بر آن در ایران پدیده ای مدرن است. در نتیجه می توان گفت که منافع ابزارگرایانه عامل اصلی سیاسی شدن علایق کهن زبانی مذهبی بوده است (معیدفر و رضایی، ۱۳۸۵: ۲۷).

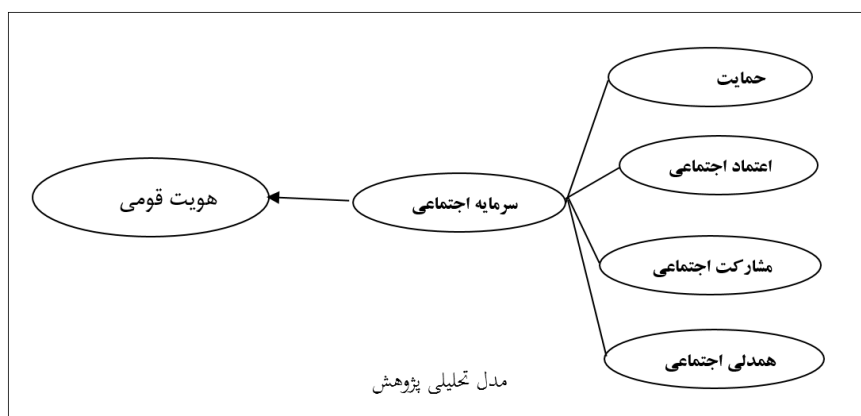
برساخت گرایان ناسیونالیسم یا ناسیونالیسم قومی را امری ساخته و پرداخته شده در جریان فرایندی از تبادل معنا در میان اعضا در نظر می گیرند. تاریخ ناسیونالیسم نشان می دهد که این پدیده مدرن و متعلق به قرون اخیر بوده است و به عنوان یک برساخته اجتماعی که اهداف سیاسی و ایدئولوژیکی را تأمین می کرده توسط نخبگان و سایر سخنگویان «ملت» خلق شده است. در ادبیات ناسیونالیسم به پدیده ملت سازی اغلب پرداخته شده است. این اندیشمندان معتقدند هویت ساخته و پرداخته ای اجتماعی است و در ظرف زمان و مکان خاص شک گرفته و معنا می یابد. دیانا فاس براین باور است که در برساخته گرایی چند اصل مهم مطرح است: آنچه در جهان خارج مشاهده می شود طبیعی نیست بلکه برساخته اجتماع است. برای نمونه مفهوم «جنسیت» در تاریخ را نباید بر مبنای تمایز طبیعی بین زن و مرد توجیه کرد، زیرا این مفهوم در ساخت اجتماعی بوجود آمده است. مفاهیم محصول ترتیبات خاص اقتصادی و اجتماعی می باشند. نه تنها دانش به طرز اجتماعی ساخته می شود بلکه از طریق کنش و واکنش بین افراد جامعه تداوم می یابد. بنابراین تداوم دانش بشری بیش از آن که از کارآمدی آن در برخورد با واقعیت ها ناشی شده باشد، جنبه اجتماعی دارد. بین دانش و کنش اجتماعی نسبتی وجود دارد، یعنی هر سازه اجتماعی نوع خاصی از کنش های اجتماعی را طلب می کند. مارکس در رویکردی همسو با برساخت گرایی هویت را به مثابه یک برساخته طبقاتی مورد بحث قرار می دهد. از نظر وی نقطه عزیمت ما برای رسیدن به انسان های واقعی، آنچه انسان ها می گویند، تصور می کنند و تلقی می نمایند یا آنچه در مورد آنها می گویند و می اندیشند و تصور و تلقی می کنند، نیست. انسان ها همواره با تغییر تولید مادی، موجودیت واقعی، اندیشه و محصولات اندیشه خود را تغییر می دهند (تاجیک، ۱۳۸۴: ۳۹).

آنتونی گیدنز معتقد است که «هویت هر شخص را نه در رفتار او باید جستجو کرد و نه در واکنش های دیگران، بلکه در توانایی و ظرفیت وی برای حفظ و ادامه روایت مشخصی از زندگینامه اش. زندگینامه

شخصی، که به حفظ روابط متقابل و منظم با دیگران علاقمند است نباید به کلی خیالی و ساختگی باشد. زندگینامه واقعی باید به طور مداوم رویدادهای دنیای خارج را در خود ادغام کند و آنها را با «تاریخچه» جاری «خود» شخص سازگار سازد. از نظر وی، شخصی که ثبات معقولانه ای در هویت شخصی خویش احساس می کند، از زندگینامه پیوسته و بدون پریدگی برخوردار است و به همین دلیل می تواند به طور بازتابی با آدم های دیگر درآمیزد و کم و بیش با آنها ارتباط برقرار کند. چنین شخصی، از خلال نخستین روابط اعتمادآمیز خود نوعی پيله محافظ برای خود دست و پا کرده است که در جریان امور روزمره بسیاری از خطرهایی را که جامعیت خود او را تهدید می کنند از صافی می گذراند. سرانجام فرد قادر می شود جامعیت یادشده را به عنوان خصیصه ای ارزشمند حفظ کند. علاوه براین، آنقدر برای خود احترام قایل می شود که می تواند نوعی احساس تشخیص را به عنوان پدیده ای بازتابی زنده نگاه دارد و در دنیای مادی به صورت اشیای بی جان در نیاید. از نظر وی، حفظ و حراست روایت معینی که برای توصیف «خود» برگزیده ایم مستقیماً هم بر «خود» و هم بر پیکری که حامل آن است تأثیر می نهد و گاه تا اندازه ای به ساختن و پرداختن آنها نیز یاری می دهد (عبدالحسینی و حقیقتیان، ۱۳۹۴: ۳۸).

رویکرد تلفیقی بوردیو، فرآیند هویت سازی و هویت یابی در دوران مدرن را براساس تأثیرات دوسویه ساختارهای اجتماعی و عواملان تبیین می کنند. وی در تحلیل های خود سطح خرد (عاملان و عملکردهای شان) و سطح کلان (ساختارهای اجتماعی) را بایکدیگر تلفیق می کند. در سطح کلان به ساختارها یا حوزه های تعاملاتی توجه دارد که هرکس برحسب میزان سرمایه (سرمایه اقتصادی و فرهنگی) و براساس ساختار سرمایه (برحسب وزن نسبی انواع مختلف سرمایه اقتصادی و فرهنگی که در مجموع کل دارایی دارد)، در میدان اجتماعی توزیع و جایگاه اجتماعی پیدا می کند و در کنار افرادی قرار می گیرد که از لحاظ سرمایه کلی با او مشابه هستند. افراد دارای پایگاه مشابه و تعاملات مشترک از عادتواره و الگوی کنشی نسبتاً همسو و هماهنگی برخوردارند و افراد یک نسل یعنی افراد هم دوره به لحاظ تاریخی و دارای تجربه مشترک اجتماعی و تاریخی و اشخاص هم دوره که در طول زمان عادتواره مشترکی را می گذرانند حافظه نسلی مختص خود را دارند، به این دلیل هویت نسلی متفاوتی را با هویت نسل های قبلی و بعدی کسب می کنند. به نظر بوردیو سهم شدن در فرهنگ و عادتواره جمعی اعضای یک نسل را با حافظه جمعی تجهیز می کند که برای یکپارچه کردن هم دوره در طی یک دوره زمانی محدود به کار می رود. عادتواره نظام تمایلات مستمر و مداوم برای عمل است که با ساختارها و شرایط عینی ایجاد می شود، اما همچنین قادر به تولید و بازتولید این ساختار است (توسلی و ادهی، ۱۳۹۱: ۱۷).

با توجه به مطالب فوق و تأثیر سرمایه اجتماعی بر هویت اجتماعی در پژوهش حاضر تلاش شده است تا تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر روی هویت قومی مورد سنجش قرار گیرد.



روش پژوهش

همان گونه که اشاره شد؛ روش پژوهش حاضر برحسب هدف تحقیق، از نوع کاربردی و برحسب نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایش می‌باشد که محقق درصدد هست تا تأثیر متغیرهای سرمایه اجتماعی را بر هویت قومی تبیین نماید. جامعه آماری پژوهش حاضر را سربازان یک سازمان نظامی خاص تشکیل می‌دهند که با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است. برای اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و وابسته جهت حصول اعتبار، با انجام پیش‌آزمون با استفاده از اعتبار صوری^۱ و آلفای کرونباخ اصلاح‌شده^۲ گویه‌ها انجام گرفت. بر اساس نتایج ارزیابی نهایی متخصصان سؤالات دارای اعتبار کافی بوده و همچنین نتایج تحلیل پایایی^۳ با استفاده از آلفای کرونباخ، به تفکیک متغیرها برآورد شده است. ضرایب پایایی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش بالای ۰/۸ است. این امر حاکی از آن است که گویه‌های انتخاب شده برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق مناسب بوده‌اند. آلفای کرونباخ به تفکیک متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق در قالب جدول زیر آورده شده است؛

متغیر مستقل یا متغیر وابسته	میزان آلفای کرونباخ
سرمایه اجتماعی	۰/۸۶۵
حمایت اجتماعی	۰/۸۱۲
اعتماد اجتماعی	۰/۸۲۱
مشارکت اجتماعی	۰/۸۵۱
همدلی اجتماعی	۰/۸۷۱
هویت	۰/۸۳۲

1. Face Validity
 2. Reliability

یافته‌ها

بر اساس یافته‌ها، ۱۵ درصد از افراد مورد آزمون متوسطه، ۳۲ درصد با تحصیلات کاردانی، ۴۳ درصد کارشناسی و ۵ درصد دارای تحصیلات ارشد و دکتری بودند.

سرمایه اجتماعی متغیر مستقل اصلی تحقیق بود، که برای اندازه‌گیری این متغیر از ۲۱ گویه استفاده گردیده، در این زمینه نمره ۴۵ نشان دهنده پایین‌ترین نمره برای سرمایه اجتماعی فرد و نمره ۱۰۰ نشان دهنده سرمایه اجتماعی بالا برای فرد می باشد. در این زمینه، میانگین به دست آمده ۷۵/۴ بود. در ادامه نتایج تحقیق در دو بعد توصیفی و استنباطی آورده شده است؛

جدول (۱) نتایج توصیفی مربوط به متغیر سرمایه اجتماعی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
سرمایه اجتماعی	۷۰/۹	۱۶/۱۳	۲۶۰/۳۳	۵۵	۴۵	۱۰۰

هویت قومی

برای ارزیابی متغیر احساس امنیت اجتماعی که متغیر وابسته تحقیق می باشد از ۲۷ گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای، به صورت یک طیف ۶ قسمتی استفاده شده است. نمره ۱۳۳ نشانگر بالاترین سطح هویت قومی و نمره ۶۰ نشانگر پایین‌ترین سطح می باشد. میانگین این متغیر برای جامعه مورد مطالعه ۹۶/۷۰ می باشد، که نشان دهنده این است که سربازان مورد مطالعه در حد زیاد دارای هویت قومی هستند. همانطور که میانگین نشان می دهد، میانگین هویت قومی برای سربازان مورد مطالعه در سطح زیاد می باشد. سایر آماره های این متغیر در جدول (۲) آورده شده است.

جدول (۲) نتایج توصیفی مربوط به متغیر هویت قومی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
هویت قومی	۹۶/۷۰	۱۲/۲۹	۱۵۱/۰۹	۷۳	۶۰	۱۳۳

رابطه سرمایه اجتماعی و مولفه های آن با هویت قومی

برای آزمون رابطه بین سرمایه اجتماعی با سرمایه اجتماعی و ابعاد آن از آزمون اسپیرمن استفاده گردید، نتایج نشان می دهد با $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ رابطه کاملاً معنی دار بین سرمایه اجتماعی با سرمایه اجتماعی وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده ۰/۲۲۰ می باشد که نشان دهنده همبستگی متوسط و مستقیم می باشد. نتیجه آزمون همبستگی همچنین نشان می دهد که مولفه‌های سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد، همدلی، حمایت و مشارکت اجتماعی همبستگی مثبت و معنی داری با هویت قومی دارد. یعنی با بالا رفتن سرمایه اجتماعی، هویت قومی بیشتر می شود. نتیجه ضریب همبستگی همچنین نشان می دهد که بین سن و

هویت قومی رابطه مثبت و معنی داری وجود ندارد.

جدول (۳): نتایج رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی و هویت قومی

متغیرها	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	تعداد مشاهدات
رابطه بین سرمایه اجتماعی و هویت قومی	۰/۰۰۰	۰/۴۲۰	۲۹۱
رابطه بین اعتماد اجتماعی و هویت قومی	۰/۰۰۲	۰/۱۷۵	۲۹۲
رابطه بین همدلی اجتماعی و هویت قومی	۰/۰۰۱	۰/۱۲۷	۲۸۹
رابطه بین حمایت اجتماعی و هویت قومی	۰/۰۰۳	۰/۱۱۹	۲۹۳
رابطه بین مشارکت اجتماعی و هویت قومی	۰/۰۰۰	۰/۱۹۴	۲۹۰
رابطه بین سن و هویت قومی	۰/۴۲۳	۰/۰۲۵	۲۹۱

آزمون رگرسیون

یکی از پیش فرض‌های اساسی در تحلیل رگرسیون چند متغیره، نرمال بودن توزیع خطاها است. فرض دیگر در رگرسیون چند متغیره، مستقل بودن خطاها یا باقی مانده ها ازهمدیگر می باشد. آزمونی که فرض مستقل بودن باقی مانده ها از یکدیگر را آزمون می کند، آزمون دوربین- واتسون است. دامنه این کمیت بین ۴-۰ می باشد و معمولاً محدوده بین ۲/۵-۱/۵ مورد قبول و نشان دهنده مستقل بودن خطاها یا باقی مانده ها از یکدیگر می باشد. در این پژوهش مقدار این آماره در پژوهش حاضر ۲ می باشد. همچنین پیش فرض مربوط به خطی بودن متغیرها از طریق آزمون آنالیز واریانس تست می شود که سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ نشان دهنده داشتن رابطه خطی می باشد. برای تعیین سهم تاثیرگذاری نسبی متغیرهای مستقل بر هویت قومی از تحلیل رگرسیونی چند متغیره با روش گام به گام^۱ استفاده شد. از بین متغیرهای مستقل، متغیرهای حمایت اجتماعی وارد معادله شدند، که در مجموع ۴۴ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی را این متغیر تبیین می کنند و مابقی واریانس تبیین نشده متاثر از متغیرهای دیگری است که در مدل این تحقیق آورده نشده اند. در میان این دو متغیر، سهم حمایت اجتماعی با ضریب بتای ۰/۴۱ حمایت اجتماعی را تبیین می کند. یعنی با کنترل سایر متغیرها، به ازای یک واحد تغییر در سرمایه اجتماعی، میزان هویت قومی ۰/۴۱ واحد تغییر می کند.

جدول (۷): آماره های تحلیل رگرسیون چندگانه و خلاصه مدل رگرسیونی برازش شده

ضریب همبستگی چندگانه	۰/۴۱
ضریب تعیین	۰/۴۴۱
ضریب تبیین شده تصحیح شده	۰/۴۴۳

۱۱/۸۱	اشتباه معیار
۲/۰۰۵	آزمون دوربین واتسون
۱۳/۴۷ = کمیت F مقدار $p=000/0$	

جدول (۸): جدول ضرایب رگرسیونی متغیرهای تحلیل رگرسیونی

متغیرها	B	STD.B	BETA	T	P
سرمایه اجتماعی	۰/۳۲۱	۰/۵۷۶	۰/۳۶۳	۳/۳۴	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	۰/۶۷۵	۰/۱۸۴	۰/۲۱۵	۳/۶۷	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۵۳۴	۰/۱۷۳	۰/۱۷۴	۲/۳	۰/۰۰۰
حمایت اجتماعی	۰/۴۳۲	۰/۱۲۳	۰/۱۱۲	۱/۹۸	۰/۰۰۲
همدلی اجتماعی	۰/۱۱۴	۰/۴۲۳	۰/۰۰۲	۱/۷۵	۰/۲۲۶

با توجه به ضرایب رگرسیونی تحقیق می توان گفت که سرمایه اجتماعی تأثیر بسیار بالایی بر هویت قومی دارد و متغیرهای سرمایه اجتماعی نیز تأثیر زیادی در تبیین متغیر مستقل تحقیق داشته اند.

نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر سرمایه بر هویت قومی در بین سربازان در کشورمان بود. یافته های توصیفی نشان می دهند که میزان هویت قومی و ابعاد آن در بین سربازان در سطح بالا می باشد. یکی از یافته های پژوهش حاضر رابطه مثبت و معنی دار بین سرمایه اجتماعی و هویت قومی می باشد. به یک معنا، سرمایه اجتماعی در تقویت آگاهی و شناخت نسبت به هویت قومی سربازان تأثیر زیادی دارد. این یافته با نتایج پژوهش رضایی و احمدلو (۱۳۸۴) و راد و فیل کوش (۱۳۹۲) که به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی با هویت قومی رابطه مثبت و معنی داری دارد، همسو می باشد. رویکرد تلفیقی بوردیو که فرآیند هویت سازی و هویت یابی را مبتنی بر تأثیرات دوسویه ساختارهای اجتماعی و عاملان می داند. بدین معنی که افراد دارای پایگاه مشابه و دارای تعاملات و روابط مشترک از الگوی کنشی مشابهی برخوردارند که می توان گفت داری هویت اجتماعی نزدیک به هم هستند، موید این یافته می باشد. یافته ها همچنین نشان می دهد که ابعاد سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد اجتماعی، همدلی، حمایت و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت و معنی داری با هویت قومی دارند. در واقع با اندک تاملی استنباط می شود که سرمایه اجتماعی و مولفه های آن بستر ساز موثری برای تقویت هویت قومی می باشند. به یک معنا، از یک سو، اعتماد بین فردی در گروه های قومی به یکدیگر موجبات تعلق خاطر و همبستگی را بین اعضای گروه به وجود می آورد و از سوی دیگر حمایت اجتماعی موجود در بین این گروه ها میزان تعلق احساسی

و عاطفی به گروه قومی را افزایش می دهد. این یافته با نتایج پژوهش های دیویس (۲۰۱۴)، جیانگ و کارول (۲۰۰۹)، کرپلمن و وایت (۲۰۰۶) که در پژوهش های خود به رابطه مستقیم سرمایه اجتماعی و هویت قومی رسیده اند، همسویی دارد.

بطور کلی نتایج تحلیل رگرسیون نشان می دهد که متغیرهای مستقل تحقیق شامل؛ حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی در مجموع ۴۴ درصد از تغییرات مربوط به هویت قومی را تبیین نمودند و متغیر همدلی اجتماعی تأثیری در تبیین متغیر وابسته تحقیق نداشته است، با توجه به اینکه میزان هویت قومی در بین سربازان در حد زیاد به عنوان یک خواسته و مطالبه می باشد، ضروری است که در این خصوص تدابیر و اقداماتی صورت پذیرد. یکی از این اقدامات توجه به مولفه های تشکیل دهنده هویت قومی است. به عبارت دیگر، این مساله نیاز به اقدامات عملی از سوی ساختار و سیستم دارد و با این کار می توان تعلق به یک «ما» ی مشترک را تقویت کرد که به نوبه خود منجر به بهبود احساس امنیت اجتماعی می شود.

با توجه به تهدیدات ناشی از عملیات روانی دشمنان کشورمان در خصوص فعال نمودن گسل های قومی و نژادی و ایجاد تفرقه و تقویت تجزیه طلبان، تقویت هویت ملی منتج از همبستگی قومیت های مختلف به ویژه در دوران خدمت سربازی ضروری به نظر می رسد.

اقدامات دیگری که در این خصوص می توان انجام داد:

الف) بسترسازی برای آشنایی کودکان و نوجوانان با چهره ها، و مشاهیر ایرانی با قومیت های مختلف در کنار پرداختن به چهره ها و مشاهیر ملی.

ب) توجه و کمک به هویت ملی و بسترسازی برای مشارکت اجتماعی با رویکرد عدالت محورانه به هویت های قومیتی

د) نگاه عادلانه به قومیت ها و فرهنگ آنها از سوی دولت و بخصوص رسانه ملی.

ج) بسترسازی و برنامه ریزی برای آشنایی کودکان و نوجوانان در سنین مدرسه با تاریخ و تعلقات قومی خود و تقویت تعلق و وفاداری ملی.

منابع

- احمدی پور، زهرا؛ حیدری موصولو، طهمورث، حیدری موصولو، طیه (۱۳۸۹)، تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دوم، شماره اول، ۳۵-۶۲.
- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه یا واقعیت، تهران، نشرنی.
- احمدی، آرمان، احیایی، پویان (۱۳۹۳)، بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: زنان شهرک باغمیشه شهر ایلام)، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجانشرقی، سال چهارم، شماره سوم (پیاپی ۱۴)، صص ۶۰-۳۵.
- باینگانی، بحمن، کاظمی، علی (۱۳۸۹)، «بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی»، برگ فرهنگ، شماره ۲۱، ۲۱-۸.
- پابنده، محبوبه؛ جعفرزاده، فروزنده (۱۳۸۹)، بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان دهدشت، دو فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره پنجم، صص ۱۰۱-۱۲۲.
- پوراحمد، احمد؛ عیوضلو، محمد؛ حامد، محبوبه؛ عیوضلو، داود (۱۳۹۱)، بررسی رابطه دینداری و احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی (مورد مطالعه: شهرستان کوه‌دشت)، پژوهش راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره اول، ۲۰-۱.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.
- توسلی، غلامعباس؛ ادبی، جمال (۱۳۹۱)، حافظه تاریخی، هویت قومی و جهانی شدن: پژوهش بین نسلی در شهر سنندج، مجله مسایل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، صص ۷-۳۷.
- توسلی، غلامعباس؛ اصل زعیم، مهدی (۱۳۸۹)، هویت های قومی و معمای هویت ملی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، ۷۶-۹۵.
- جعفرزاده پور، فروزنده، حیدری، حسین (۱۳۹۳)، فراتحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۶۳-۹۶.
- جهان‌فر، رضا، کرمی، فهیمه، ۱۳۹۳، «با دوست بسر رفت؛ خاطرات سربازان و رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس»، تهران، نشر ایران سبز، چاپ اول.
- جهان‌فر، رضا، ۱۳۹۷، بایندر؛ زندگی و عملکرد شهید دریابان غلامعلی بایندر، تهران، نشر دفتر پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی نداجا، چاپ اول.
- جهانگیری، جهانگیر؛ معینی، مهدی (۱۳۹۰)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هویت ملی؛ (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز)، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال هفتم، صص ۷۴-۳۷.

- حسین پور اصل، مهدی (۱۳۸۹)؛ «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و رضایت شغلی کارکنان گمرکات استان آذربایجان شرقی»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- شارع پور، محمود و خوش فر، غلامرضا (۱۳۸۱)؛ «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان: مطالعه موردی شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰: ۱۳۳-۱۴۷.
- شارع پور، محمود، حسینی راد، علی (۱۳۸۷)؛ «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی (مطالعه موردی: شهروندان ۱۵-۲۹ ساله شهر بابل)»، نشریه حرکت، شماره ۳۷: ۱۳۱-۱۵۳.
- رضایی، احمد، احمدلو، حبیب (۱۳۸۴)، نقش سرمایه اجتماعی در روابط بین قومی و هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۴، صص ۷-۳۳.
- روحانی، حسن (۱۳۸۸)؛ «درآمدی بر سرمایه فرهنگی»، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳، ۷-۳۵.
- ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۶)؛ «جوانان، بدن و فرهنگ سلامت»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، ۱۱۷-۱۴۱.
- غریبیان، زهره، شمال اف، عبدالواحد، خوش فر، غلامرضا (۱۳۹۴)، بررسی گرایش دانشجویان نسبت به هویت ملی با تاکید بر قومیت (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و آزاد مرکز استان گلستان در سال تحصیلی ۹۱-۹۲)، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۱۷۵-۱۵۱.
- فاتحی، ابوالقاسم و اخلاصی ابراهیم (۱۳۸۷)، «مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن: مطالعه موردی زنان شهر شیراز»، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، شماره ۱۱: ۹-۴۲.
- ماجدی، سید مسعود، لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۴: ۹۱-۱۳۶.
- مهرمند، احد؛ اشرفی سلطان احمدی، حسین؛ عزیزی نژاد، بهاره؛ ماندگار، علی (۱۳۸۸) بررسی جامعه شناختی میزان رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان آذری زبان شهر ارومیه، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۱، صص ۸۹-۱۲۰.
- معیدفر، سعید؛ رضایی، علیرضا (۱۳۸۵)، تحلیلی بر وضعیت هویت قومی در جامعه ایران؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۳، صص ۱۹-۴۸.
- یاری، حامد، هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۱)، بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مورد مطالعه: ساکنان شهر کرمانشاه)، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره ۴، صص ۳۹-۵۸.
- بی‌نا، ۱۳۹۱، مقاله «مروری بر پرونده ۸۷ ساله سربازی در ایران»، منتشر شده در خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، دوشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۹۱، کد خبر ۹۱۰۳۱۵۰۸۲۷۳، به نشانی www.isna.ir

- احمدی، حسین، ۱۳۹۰، مقاله «تاریخچه مختصر سربازی در ایران»، منتشر شده در مجله سرباز، شهریور ۱۳۹۰، شماره ۱۸۳، ص ۲۶
- Ashmore, R. D., Deaux, K., & McLaughlin-Volpe, T. (2004). **An organizing framework for collective identity: articulation and significance of multidimensionality**. *Psychological Bulletin*, 130, 80 -114.
 - Duffy ,Ryan D, Klingaman, Elizabeth A (2009), **Ethnic Identity and Career, Development Among First-Year College Students, Journal of Career Assessment** , Volume 17 Number 3, 287-297.
 - Drydak N (2012) **Ethnic Identity and Immigrants' Wages in Greece**. *Int J Intercultural Relat* 36:389–402.
 - Phinney, Jean S, Ong, Anthony D. (2007), **Conceptualization and Measurement of Ethnic Identity: Current Status and Future Directions, Journal of Counseling Psychology**, Vol. 54, No. 3, 271–281.
 - Leszczensky, Lars & Santiago, Aitana Grabs (2015), **The Development and Test of a Measure of Youth's Ethnic and National Identity, methods, data, analyses ** Vol. 9(1), 2015, pp. 87-110